ایران
سیاسی
■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۷۹۲۳ ■ پنجشنبه ■ ۱۲ خرداد ۱۴۰۱
۲ ذیقعده ۱۴۴۳ ■ 2 June 2022 ■ Thursday

در یک سال گذشته ۲۱ کارمند رنگین پوست دولت بایدن استعفا دادند

در کاخ سفید جایی برای سیاه پوستان نیست

«ما باید به نژادپرستی سیستماتیک در امریکا خاتمه دهیم»؛ این اظهاراتی بود که «جو بایدن» ۱۱ ژوئن ۲۰۲۰ (۲۲ خرداد ۱۳۹۹) ۶ ماه پیش از انتخابات ریاست جمهوری در گرماگرم کمپین‌هایش در حمایت از رنگین پوستان امریکایی بیان کرد. اما اکنون درست دو سال پس از آن زمان، رسانه‌های امریکایی فاش کرده‌اند، ۲۱ کارمند سیاه پوست کاخ سفید به خاطر شرایط کاری نابسامان خود، مجبور به استعفا و کناره‌گیری از شغل خود شده‌اند.

۴

بررسی روند بحران خشونت داخلی در امریکا و ناتوانی تقنینی و اجرایی در کنترل آن

بهشت هفت تیرکشان

امروز در امریکا شاید کمتر کسی باشد که نداند معضل این روزها در این کشور چیست. مادران بیشتر از گذشته نگران جان کودکان‌شان در مدرسه هستند بویژه اگر رنگین پوست باشند. در همین ابتدای بحث این سؤال اساسی مطرح می‌شود که با وجود نارضایتی‌های داخلی روز افزون، چرا قانونگذاران امریکایی، ناتوان از تصویب قانونی علیه حمل سلاح و مجریان قانون نیز عاجز از کنترل خشونت‌های مسلحانه هستند؟

۶

انقلابی مانده‌ایم و اهل کتمان نیستیم

محمدرضا احمدی
جانباز شیمیایی و پژوهشگر دفاع مقدس

■ **امام عزیزم...**

در سالگرد عروج ملکوتی ات بار دیگر تمام غم های عالم بر دلهایمان چنگ می زند و آسمان چشمانمان ابری می شود و این داغ نبودنت هرسال در این روز تکرار می شود...

سالی که تو آمدی نوجوان ۱۱ ساله ای بیش نبودم و از همان نوجوانی با اندیشه های ناب و روشنت آشنا شدم و دل در گرو تو دادم و کلام زیبا و مهر و محبتت بر اعماق دل و جانم نفوذ کرد... و قدم در راه تو گذاشتم. وقتی ۱۳ ساله شدم دشمن خبیث و تا بن دندان مسلح بر سرزمینمان حمله ور شد. وقتی فرمان دادی که جوانان جبهه ها را پر کنند و در مقابل تجاوز دشمن و دفاع از خاک وطن مردانه بایستند، سنم خیلی کم بود و جثه ای نداشتم اما عشق اطاعت از فرمانت و دفاع از وطن در مقابل دشمن قوی تر از آن بود که مانعم شود و هر طور شده با التماس و خواهش و با سختی خودم را به میدان نبرد با دشمن رساندم و هم نفس و همقدم یارانت در جبهه ها شدم. چه دانشگاه بزرگی و چه روزهای وصف ناشدنی بود که در هیچ کلامی نمی گنجد. چگونه آن همه عشق و ارادت یارانت به تو را بازگو کنم؟

عطر کلامت چنان در قلب های یارانت نفوذ داشت که هیچ معبر و مانع و سلاحی نمی توانست جلو دارشان باشد حتی اگر تکه و پاره می‌شدند اما نمی گذاشتند حرف امامشان زمین بماند.

آری ما شیفته و عاشق امام مان و راهش بودیم او که راهش همان راه سرخ عاشورایی حسین ابن علی (ع) و یارانش بود و این بار در کربلای ایران تاریخ در حال تکرار شدن بود و ما در وسط معرکه بودیم و آن روزها عشق با یارانت چه ها که نمی کرد... و چه یاران باوفایی که تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خونشان از آرمان های انقلابی که معمارش بودی دفاع کردند و در روی دستان‌مان به شهادت رسیدند و چه عاشقانه و مظلومانه آسمانی شدند...

آری با رهنمودهایت و با دعای خیر تو و جانفشانی یارانت چه فتح‌الفتوح‌هایی که در تاریخ سرزمینمان رقم خورد و در تاریخ ثبت شد و درس استقامت و ایثار و مقاومت تا پیروزی برای آیندگان شد ...

آنها که آخرین پیام و وصیت شان پیروی از خط ولایت فقیه بود و تا آخرین لحظه گفتند نگذارید امام تنها بماند...

آن روزها گذشت و گذشت و دل ما همچنان در گرو تو و در رکابت مانده است ...

تا اینکه خبر پرواز روح ملکوتی ات بدترین خبر برایمان شد. آن روز طوفانی از غم و اندوه بر دل هایمان نشست و با رفتنت لبخند بر لب هایمان خشکید و چشمان مان پر از اشک و دل هایمان پر از آه و افسوس شد. یادم می آید در آن سال دانشجو بودم خودم را به سرعت و سراسیمه تا بهشت زهرا رساندم تا در روز و شب وداع و در تشییع میلیونی و تاریخی ات به همراه انبوه جمعیت سوگواران وعاشقانت حضور داشته باشم. سیل جمعیت آنقدر زیاد بود که به دریایی تبدیل شده بود و حرکت جمعیت همانند موج هایی بزرگ دیده می شد.

چه عاشقانی که از فرط گریه و زاری و بر سر زدن از حال می رفتند و حتی جان به جان آفرین تسلیم می کردند و روی دستان جمعیت عزادار به عقب هدایت می شدند. وداع تاریخی امت با امام شان که در قالب کلمات نمی گنجد و قابل بیان نیست...

امام عزیزم، چگونه رفتنت را باور می کردم تو که همانند پدری مهربان برایمان بودی و نهضتت بعثت دوباره بود. کلام نافذ و در عین حال ساده و پر از مهربانیت بذر ایمان و معنویت در دل های مان کاشته بود.

آن وقت در جلوی چشمان سرباز کوچکت و هزاران عاشق و دلباخته و یاران وفادارت در حالی که روحت در آسمان ها بود و جسم پاکت در محفظه ای شیشه ای آرام و نورانی خوابیده بود ما برایت عزاداری می کردیم و نوحه می خواندیم و بر سر و سینه می زدیم و وقتی خسته و بی حال می شدیم با قطره آب هایی که رویمان می پاشیدند دوباره فریاد «عزا عزاست امروز مهدی صاحب زمان صاحب عزاست امروز» را سر می دادیم. صداها در هم پیچیده شده بود و هر گروه برای خودش نوحه و نغمه های عزا می خواند انگار حس گرسنگی و تشنگی و خواب و غذا را متوجه نبودیم و همه وجودمان فقط و فقط تو را فریاد می زد. چندین روز و شب و هفته ها گذشت اما باورمان نمی شد که تو از میان ما رفته ای، فرمانده کل قوا و ای رهبر و پیر فرزانه ما.

تورفتی و امانتی بزرگ بر دوش ما نهادی و آن رسالت ادامه نهضت عاشورایی ات و پیروی از ولایت و رهبری و به سر منزل مقصود رساندن کشتی انقلاب از حوادث و ناملایمات و طوفان های حوادث و فتنه ها بود.

آری ای امام مهربانم تو در آخرین وصیت خود هم از ما یاورانت غافل نشدی و وصیت نمودی که مگذارید پیشکسوتان جهاد و شهادت در پیچ وخم زندگی روزمره به فراموشی سپرده شوند و پیگیر مشکلاتشان باشید. چرا که در زمان حیاتت هم ارادتت را به یاورانت نشان دادی و با اخلاص و تواضع وصف ناشدنی فرمودی من بر دست و بازوان رزمندگان بوسه می زنم و بر این بوسه افتخار کردی.

امام عزیز، مطمئن باش که یاوران واقعی ات از عاشورا درس گرفته اند و همچنان در راه مکتب و نهضت حسینی تو و پایبند بر عهدی که با تو بستند، هستند و در مسیر و نهضت عاشورایی تو گام برمی دارند و با وجود تمام ناملایمات و نامهربانی ها و دشمنی ها و خباثت ها چه از دشمنان خارجی و چه داخلی همچنان یار و یاور ولایت و رهبری و در رکاب نایب امام زمان (عج) تا آخرین نفس پای آرمان های انقلاب وشهدا ایستاده اند...

از زبان یاورانت می سرایم:
انقلابی مانده ایم و اهل کتمان نیستیم
از مسیر آمده هرگز پشیمان نیستیم
روز اول با امام عشق پیمان بسته ایم
اهل کوتاه آمدن از عهد و پیمان نیستیم
گر تمام دشمنان دین و قرآن حمله ور بر ما شوند
با ولایت تا شهادت پای این پیمانمان می ایستیم

ایرنا

نگاهی به موج سواری جریان شبه هنری روی عواطف عمومی نسبت به حادثه متروپل

شبکه آوار روانی

امیر فرشباف
روزنامه‌نگار

ماجرای متروپل، رخداد غم‌انگیزی بود که غم‌انگیز بودن آن وجوه مختلفی دارد؛ ازجمله کشته شدن چند نفر از هموطنانمان یا ساخت‌وسازهای غیرمجازی که براساس روابط رانتی و فسادآلود مانند ساخت همین بنای سست متروپل که با همراهی استاندار محبوب حسن روحانی در خوزستان یعنی غلامرضا شریعتی ساخته شد و مواردی از این قبیل که نیازمند بررسی مستقل و مفصل هستند. اما یکی دیگر از وجوه غم‌انگیز آن این است که جریان‌هایی در داخل و با استفاده از امکانات رسمی کشور، سعی در سوار شدن روی موج احساسات و عواطف جریحه‌دار شده مردم دارند، درحالی که اندک شناختی از این جماعت، مؤید سابقه و نیت سوء ایشان است. ازجمله دلالت‌هایی که نیت و سابقه سوء این گروهک‌های ضدملی و ضدامنیتی را تأیید می‌کند، روابط غیرقانونی ایشان با جریان‌های معاند خارج از کشور و همکاری و همدستی با ایشان است. پس از اینکه دولتمردان -از معاون اول رئیس‌جمهور تا وزیر کشور و سایر مقامات- با تمام امکانات و توان در میدان آوارب‌رداری از متروپل حاضر شدند و از سوی دیگر، سرود «سلام فرمانده» در تمام نقاط کشور، طنین‌انداز وحدت سرزمینی و مذهبی شده است، ملاحظه می‌شود جریانی در پوشش هنر، به تبع جریان‌های ضدانقلاب و دولت‌های متخاصم، سعی در موج سواری روی احساسات ملی و بازیابی اعتبار از دست رفته خود دارد. افراد شناسنامه‌دار ضدانقلاب که در جامعه هنری کشور نفوذ کرده‌اند از طریق اغوای برخی هنرمندان بیانیه‌ای صادر و در رسانه‌های بیگانه منتشر کردند که با استقبال تمام‌عیار ایشان مواجه شد که در ادامه به برخی وجوه این مسأله پرداخته خواهد شد. جریانی که در تحقق سال‌های خسارت‌بار دولت گذشته شریک است و به جای پذیرش مسئولیت این خسارت‌ها، همیشه طلبکار و متوقع بوده، بیانیه‌ای ضدایرانی و ضدامنیتی را منتشر کرد که در آن صریحاً تقابل نیروهای نظامی کشور با مردم بازنمایی می‌شود. در بخشی از این بیانیه آمده است:

«فوج خروشان مردم ستمدیده از جای‌جای ایران، فریاد همراهی و همدلی با مردم دردمند آبادان سرداده‌اند. اکنون که خشم عمومی از فساد، دزدی، ناکارآمدی، سرکوب و خفقان، امواج همبسته‌ای از اعتراضات مردمی را به دنبال داشته است، از همه افرادی که در یگان‌های نظامی تبدیل به عوامل سرکوب مردم شده‌اند می‌خواهیم، سلاح‌های خود را زمین گذاشته و به آغوش ملت بازگردند».

پس از انتشار این بیانیه در صفحات مجازی افرادی مانند محمد رسول‌اف، رسانه‌های متعلق به جریان ضدانقلاب و برانداز، به انتشار آن پرداختند. از مهم‌ترین منابع تولید و قطب‌های پیشران عملیات روانی حول محور خبرسازی پیرامون حادثه متروپل می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

رسانه‌های وابسته به دربار سعودی ازجمله شبکه‌های تلویزیونی ایران اینترنشنال و کلمه، وبسایت‌های ایندیپندنت و العربیه فارسی، بی‌بی‌سی فارسی (متعلق به وزارت خارجه انگلیس)، صدای امریکا و توانا (وابسته به دولت امریکا)، رادیو فردا (وابسته به کنگره امریکا)، رادیو زمانه (وابسته به چپ‌های پارلمان هلند)، شبکه تلویزیونی سلطنت‌طلب من و تو، وبسایت بهایی-صهیونیستی ایران وایر، رادیو بین‌المللی فرانسه (متعلق به وزارت خارجه فرانسه)، سحام نیوز (متعلق به خانواده مهدی کروبی)، صدای ملت (با گرایش ملی مذهبی و منتسب به نهضت آزادی)، پیک ایران (وابسته به گروهک نفاق)، کانال موسوم به کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کانال‌های تلگرامی مملکته و وحیدآنلاین (با کارکرد پشتیبانی تلگرامی از توییتر ضدانقلاب) و... چند نمونه از منابع انتشار این بیانیه ضدملی و ضدامنیتی بودند. همچنین، به عنوان نمونه از ذوق‌زدگی و استقبال ضدانقلاب از این بیانیه می‌توان به اظهارات میهمان شبکه سعودی ایران اینترنشنال اشاره کرد.

> رخداد قابل توجه دیگر، واکنش برخی از هنرمندان و سینماگرانی است که بدون اطلاع از محتوای ضدامنیتی این بیانیه آن را امضا کردند و پس از اطلاع، نسبت به آن واکنش نشان دادند

مهدی مهدوی‌آزاد، کارشناس این شبکه در این خصوص با ذوق‌زدگی گفت: «اجازه بدهید ابتدا من این بیانیه سینماگران را تحسین کنم. آفرین به کسانی که این بیانیه را نوشتند و پای آن را امضا کردند... این بیانیه را شما می‌توانید یکی از نقاط عطف حمایت بخش‌هایی از هنرمندان واقعی از مردم بدانید...».

همچنین، پس از آنکه دبیر شورای عالی امنیت ملی درمورد عملیات روانی جریان‌های ضدانقلاب علیه امنیت روانی جامعه، با خوزستانی‌های مقیم تهران صحبت کرد، این صحبت‌ها با واکنش رسانه‌های این جریان مواجه شد. دریابان شمخانی در بخشی از صحبت‌هایش در مسجد ولیعصر (عج) به نقش گروه‌های معاند با انقلاب اسلامی در سوءاستفاده از عواطف عمومی اشاره کرد و گفت:«خانواده‌های داغدار آبادانی در این حادثه دهشتناک زیر بار دو آوار قرار گرفتند، نخست آوار فروریختن ساختمان و دیگری آوار روانی هدایت‌شده از سوی بازماندگان ورشکسته‌های سیاسی که سال‌ها قبل فاجعه سینما رکس آبادان را ایجاد کردند. مردم آبادان چون همیشه از زیر آوارهایی که دشمنان برای لطمه زدن به جان و روان آنها طراحی کرده‌اند، سربلند بیرون خواهند آمد. در حالی که مسئولین محلی و ملی با حداکثر توان مشغول آواربرداری فیزیکی و در حال بررسی ابعاد فنی موثر در این حادثه بودند، آوارریزان دست به تولید و نشر حداکثری شایعات بی‌اساس به منظور تشویش اذهان مردم زدند. سلطنت‌طلب‌ها، منافقین و تجزیه‌طلب‌ها با گسیل نیرو، محورهای این آوارسازی روانی هستند. آنها به کمک شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ای وارد این معرکه شدند».

رخداد قابل توجه دیگر، واکنش برخی از هنرمندان و سینماگرانی است که بدون اطلاع از محتوای ضدامنیتی این بیانیه آن را امضا کردند و پس از اطلاع، نسبت به آن واکنش نشان دادند. در این خصوص می توان به گزارش تسنیم اشاره کرد که پس از گفت‌وگو با افرادی همچون داریوش یاری، عبدالله باکیده و سیروس حسن‌پور مشخص شد اولاً تعدادی از امضاکنندگان آن از محتوای آن به طور کامل اطلاع نداشتند یا اساساً با بخش ضدامنیتی آن مخالف بودند.

نکته پایانی اینکه، اقدام اخیر این جریان بدسابقه، اقدامی غیرقانونی است که از یک‌سو، مستوجب مجازات است و از سوی دیگر، مقتضی تجدیدنظر مدیران فرهنگی و هنری کشور نسبت به فراهم کردن زمینه‌های توسعه کاری و تشکیلاتی این جریان است. از حیث مغایرت محتوای این بیانیه و اقدام نویسندگان و امضاکنندگان آن باید به ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که در آن آمده است: «هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک موثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد، محارب محسوب می‌شود، و الا چنانچه اقدامات وی موثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود».